

بسم الله الرحمن الرحيم

سلسله جلسات تفسیر کاربردی قرآن کریم (سوره مبارکه لقمان)

دکتر علی رضا آزاد

عضو هیأت علمی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد

Azad.amoli@gmail.com

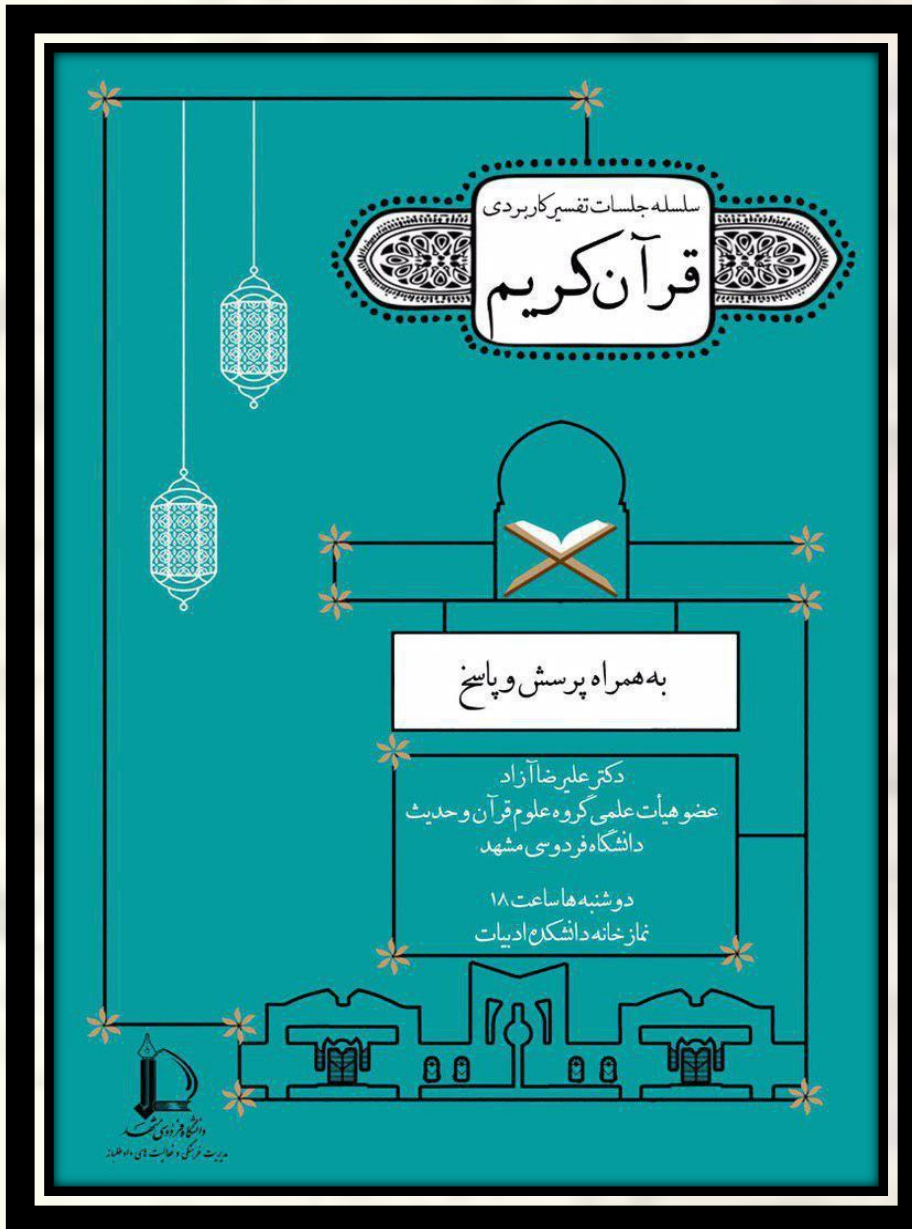
دوشنبه ها ساعت ۱۸

نمازخانه دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد

جلسه چهارم

۱۱ آذر ۱۳۹۸

مدیریت فرهنگی و فعالیتهای داوطلبانه دانشگاه فردوسی مشهد



الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿٤﴾

[همان] کسانی که نماز برپا می دارند و زکات می دهند و [هم] ایشانند که به آخرت یقین دارند. (۴)

نکته:

خلاصه مبنای برگزیده درباره معنای واژگان صلاة و زكاة:

- واژگانی مانند صلات و زکات در سایر ادیان و نزد اعراب پیش از اسلام نیز در معنای عبادی به کار می رفتند.
- معنای لغوی و معنای مستعمل قرآنی و معنای فقهی این واژگان، عموم و خصوص من وجه دارند.
- این واژگان در استعمالات قرآنی، ناظر به عملی عبادی است اما به ویژه در سوره های مکی، لزوماً در معنای عمل عبادی فقهی خاص، به کار نرفته اند.
- به کمک قرآن، سنت و روایات، این واژگان به مرور معنای فقهی خاص خود را یافته و از زمان امام صادق (ع) دیگر تبدیل به حقیقت شرعی شده و معنای فقهی آنها بر سایر معانی تفوق یافته است.
- این اعمال عبادی فقهی از زمان پیامبر (ص) وجود داشت و ممکن است در برخی آیات قرآنی و روایات نبوی و سخنان صحابه این واژگان در معنای مخصوص فقهی به کار رفته باشد. اما باید توجه داشت که در این موارد، مستعمل فقهی، تمام معنای این واژگان نیست بلکه یکی از مصادیق معنای اصلی آنها خواهد بود.

نکته:

مثالی برای تغییر معنای واژگان از استعمال قرآنی تا استعمال علمی و عرفی: «وحی»

- هر چند امروزه اغلب افراد در فضای علمی و عرفی وحی را به معنای ابلاغ مفاهیم رسالی از جانب خداوند به پیامبران می دانند اما «وحی» در قرآن به معانی دیگری هم به کار رفته است:

- الهام به انسان: قصص/۷:

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ ۖ وَبِهِ مَادَرِ مُوسَىٰ وَحَىٰ كَرَدِيمَ كَمَا طَفَلَكَ رَا شِيرِ دِه.

- وسوسه و انتقال پیام توسط شیاطین: أنعام/۱۱۲:

وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا ۚ هَمَّچَنِینِ مَا هَرِ پِیغمبری رَا از شیطانهای انس و جن دشمنی در مقابل برانگیختیم که آنها برخی با برخی دیگر برای اغفال مؤمنان سخنان آراسته ظاهر فریب اظهار کنند.

- موهبت غریزه:

نحل/۶۸: وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ ۚ وَخَدَايْتِ بَه زَنْبُورِ عَسَلِ وَحَى كَرْدِ كَه از کوهها و درختان و سقفهای رفیع، منزل گیر.

- وحی رسالی:

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ: بگو: جز این نیست که من مانند شما بشری هستم که به من وحی می‌رسد.

- علاوه بر اینها، عرب پیش از اسلام نیز واژه وحی را در معنای سخنان رمز آلود به کار می‌برد:

علقمه: یوحی إِلَیْهَا بِإِنْقَاضٍ وَ نَقْنَقَهُ
كما تراطن فی أفدانها الروم

- واژگان زکات و صلات و صوم و... نیز سرنوشتی مانند واژه «وحی» داشته‌اند.

- در صدر اسلام، واژگان در متون دینی بیشتر ناظر به معنای عرفی و لغوی بودند. معنای اخلاقی و اجتماعی آنها تفوق داشت. به مرور در طول تاریخ اسلامی با رشد علوم اسلامی، این واژگان در این علوم معنایی یافتند که الزاماً مساوی با معنای اولیه آنها در متون دینی نبود. در میان علوم اسلامی، فقه و کلام (عقاید) بیش از سایر علوم رشد کرد و فربهی آن گاه‌جا را برای رشد علوم دیگر ضیق نمود. یکی از تبعات این رشد فزاینده، مساوی‌انگاشتن فقه و دین و مساوی‌انگاشتن معنای فقهی با معنای دینی این واژگان و تا حدی، غفلت از معنای اخلاقی و فرهنگی این واژگان در طول سده‌های اسلامی تا به امروز بوده است. مصادیقی از این مسأله را می‌توان در معنای صلات و زکات و وحی و روح و... مشاهده کرد.

تفسیر زکات:

واژه زکات ۳۲ بار در قرآن آمده که ۲۶ بار، صلات در کنارش ذکر شده است. این واژه به همراه مشتقاتش ۶۰ بار در قرآن به کار رفته است.

زکات در لغت:

«زکات» در لغت، به دو معنا آمده است: یکی رشد و نمو و دیگری پاکی
علامه طباطبایی می نویسد: «معنای لغوی زکات، تطهیر می باشد.»
علامه همدانی در مصباح الفقیه می گوید: «زکات در لغت به معنی طهارت و نمو است.»

نکته:

- گاهی کاستن و زدودن از چیزی، باعث رشد بیشتر و نمو آن می شود. مانند هرس درختان و زدودن شاخ و برگ های آن برای رشد و ثمردهی بهتر آن. از همین روست که «زکاء الزرع» به معنای نمو و رشد کشتزار است. گویی به مرور از معنای محسوس به معنای معنوی منتقل شده است.
- طهارت قلب از انواع صفات مذموم را تزکیه نفس گویند زیرا با زدودن صفات ناپسند، باعث بالندگی و رشد معنویت می شود. زکات نیز به چنین چیزی اطلاق می شود. یعنی قسمتی از مال را می دهیم تا باقیمانده، با پاکیزگی رشد و نمو کند و برکت یابد.

تفسیر

زکات در فقه:

زکات عبارت است از اینکه افرادی که بالغ، عاقل، مالک هستند، در صورتی که یکی از موارد ۹ گانه: گندم، جو، خرما، کشمش، گاو، گوسفند، شتر، طلا، نقره، داشته باشند، در صورتی که مقدار آنها به اندازه نصاب خاصی برسد، باید مقداری از آنها را به به مصارف ۸ گانه برسانند و به حاکم شرع یا مستمندان بدهند.

نصاب:

هر کدام از موارد ۹ گانه نصاب خاصی دارد مثلاً گوسفند پنج نصاب دارد:

اول: چهل گوسفند، و زکات آن یک گوسفند است، و تا گوسفند به چهل نرسد زکات ندارد؛

دوم: ۱۲۱ گوسفند، و زکات آن دو گوسفند است؛

سوم: ۲۰۱ گوسفند، و زکات آن سه گوسفند است؛

چهارم: ۳۰۱ گوسفند، و زکات آن چهار گوسفند است؛

پنجم: چهار صد و بالاتر از آن، که باید آنها را صدتا، صدتا، حساب کند و برای هرصدتای آنها یک گوسفند بدهد.

نکته:

- در اواخر دوران رسالت (سال ۹ هجری)، حکم پرداخت زکات به صورت دستوری ابلاغ شد: توبه/۱۰۳:
خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ: تو از اموال مؤمنان صدقات را دریافت دار که بدان صدقات نفوس آنها را پاک و پاکیزه می‌سازی و رشد و برکت می‌دهی، و آنها را به دعای خیر یاد کن که دعای تو در حق آنان موجب تسلی خاطر آنها شود.

• کاربرست:

- ✓ در همین آیه توبه/۱۰۳ که دستوری ترین آیه درباره زکات است، زکات همراه با صلات و درود فرستادن آمده است و روح خیرخواهی بر بیان خشک و بروکراسی محض غلبه دارد.
- ✓ لزوم خوش برخوردی و قدرشناسی ایجاب می‌کرد که صلات در پاسخ به زکات بیاید.

زکات در سایر ادیان:

حضرت عیسی (ع): مریم/۳۱: وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا: و مرا هر کجا که باشم مایه برکت (و رحمت) گردانید، و تا زنده‌ام به عبادت نماز و زکات سفارش کرد.

حضرت اسماعیل (ع): مریم/۵۵: وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ: و همیشه اهل بیت خود را به ادای نماز و زکات امر می‌کرد.

اهل کتاب و پیروان ادیان پیشین: بینه/۵: وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ: در صورتی که (در کتب آسمانی) امر نشده بودند مگر بر اینکه خدا را به اخلاص کامل در دین (اسلام) پرستش کنند و از غیر دین حق روی بگردانند و نماز به پا دارند و زکات (به فقیران) بدهند. این است دین درست.

زکات در میان مسلمانان:

عمل مؤمنان:

مؤمنون/۴: وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ: و آنان که زکات را می پردازند.

مائده/۵۵: إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ: ولیّ امر و یاور شما تنها خدا و رسول و مؤمنانی خواهند بود که نماز به پا داشته و به فقرا در حال رکوع زکات می دهند.

امام صادق (ع) فرمود:

«خداوند بر این امت چیزی را سخت تر از زکات واجب نکرده است و هلاکت بیش تر امتها به علّت نپرداختن آن است.»

نکته:

- همان طور که گفتیم، زکات در اغلب سوره های قرآن، زکات فقهی نیست. بلکه به مطلق صدقات و انفاق اموال، زکات گفته می شود. از همین رو در محور جانشینی داریم:
بقره/۳: الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ: کسانی هستند که به غیب ایمان دارند و نماز را به پای می دارند و از آنچه به آنان روزی می شود انفاق می کنند.»
- حتی در آیه تشریع زکات، از آن به لفظ صدقه یاد می کند:
توبه/۱۰۳: خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً: از اموال آنان صدقه را دریافت دار.
- در آیه تعیین موارد مصرف زکات نیز از آن با واژه «صدقه» نام می برد:
توبه/۶۰: إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ: (مصرف) صدقات منحصرًا مختص است به (این هشت طایفه): فقیران و عاجزان و متصدیان اداره صدقات و کسانی که باید تألیف قلوب آنها کرد (یعنی برای متمایل کردن بیگانگان به دین اسلام) و آزادی بندگان و قرض داران و در راه خدا (یعنی در راه تبلیغ و رواج دین خدا) و به راه درماندگان.
- برخی نیز به «صدقات واجب» زکات می گویند. مقدار این انفاق های واجب، در آیات مکی تعیین نشده است.
- به نظر می رسد در اسلام چه در مکه و چه در مدینه، بر ثروتمندان واجب بود که از دارایی خود، حداقل های مادی زندگی مستمندان را تأمین کنند. اما این به معنای وجوب فقهی نبود بلکه امری اخلاقی و انسانی و اعتقادی قلمداد می شد و بعدها وجه فقهی یافت.

کار بست:

✓ اسلام برخلاف نظام های کمونیستی، با مالکیت شخصی مخالفت نکرده و برخلاف نظام های سرمایه داری لیبرال، حق مستمندان در اموال ثروتمندان را در قالب مالیات های عمومی دولتی قرار نداده است بلکه روشی بینابین را برگزیده است.

✓ زکات راهی برای از میان بردن محرومیت و فقر است. شاید بتوان چنین اندیشید که موارد و میزان و انواع زکات (انفاق مالی ثروتمندان برای رفع فقر و محرومیت) با تغییر شرایط اجتماعی و اقتصادی در هر عصر، بایستی تغییر کند تا این هدف در هر زمانی بتواند محقق شود.

نکته:

- جواد علی می گوید که اعراب مناطق نجد و حجاز به معابد و رجال دینی خود زکات پرداخت می کردند. طبری می گوید که در زمان جاهلی، عَشْر محصولات زراعی متعلق به خدا و بت ها بود. در نامه های پیامبر به جهنیه و جرمز آمده: « ان الصدقة فی الثمار العشر »

کار بست:

✓ قرآن در تشریح حکم زکات نیز جدای از فرهنگ دینی-مالی عصر خود عمل نکرده و همان احکام را تغییر جهت داده و تصحیح نموده است.

✓ به نظر می رسد عمده صدقات واجب و انفاق های مالی برای رفع احتیاج نیازمندان در ادیان وضع شده بود اما به مرور در سایر ادیان و نیز دوران جاهلی، این اموال بجای مستمندان به معابد داده می شد تا روحانیان دینی آن را به مصرف مستمندان برسانند اما همین امر، زمینه فساد مالی آنان را فراهم می کرد. اسلام جهت منفعت آن اموال را مجدداً به سمت فقرا گرداند و فقط یکی از مصارف ۸ گانه زکات را برای عاملین قرار داد.

✓ سوء استفاده از انفاق های مالی و موارد مصرف آن توسط متصدیان به حدی بود که وقتی از پیامبر (ص) می پرسند که چه چیزی انفاق کنیم، قرآن با ظرافت از این سؤال می گذرد و پاسخ این سؤال را می دهد که به چه کسانی انفاق کنیم: بقره/۲۱۵: يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ: از تو سؤال کنند که چه انفاق کنند؟ بگو: هر چه از مال خود انفاق کنید درباره پدر و مادر و خویشان و یتیمان و فقیران و در راه ماندگان رواست.

✓ شاید از همین روست که پیامبر (ص) تأکید می کند: أَمِرْتُ أَنْ أَخْذَ الصَّدَقَةَ مِنْ أَغْنِيَاءِكُمْ فَأَرُدَّهَا فِي فَقَرَاءِكُمْ؛ من مأمورم که صدقه (و زکات) را از ثروتمندان بگیرم و به فقرا بدهم.

✓ نیکوست که مراقبت شود تا عالمان اسلامی اشتباه عالمان سایر ادیان را در موارد مصرف واجبات مالی دینی، تکرار نکنند.

عمل همسران پیامبر (ص):

احزاب/۳۳: وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ: و در خانه‌هایتان بنشینید و آرام گیرید و مانند دوره جاهلیت پیشین با آرایش و خود آرای بیرون نیایید، و نماز به پا دارید و زکات بدهید و از امر خدا و رسول اطاعت کنید.

کار بست:

تفسیر برخی مفسران از این آیه، متناقض نماست. اگر منظور از «قرن فی بیوتکن» خانه نشینی باشد، پس چطور درآمدی داشته باشند که زکات بر آنها تعلق گیرد؟! پس یا مراد از زکات چیز دیگری ست یا مراد از استقرار در خانه چیز دیگریست یا مراد از هر دو.

• آداب جمع آوری زکات (دستور امام علی (ع) به مأمور جمع آوری زکات - نامه ۲۵ نهج البلاغه):

(آن را برای کسی می نوشت که بر گرفتن زکاتش می گماشت. در اینجا جمله هایی را می آوریم تا بدانند او ستودن حق را بر پا داشت و در کارهای خرد و بزرگ، باریک و سترگ، نشانه های عدالت را برای مردمان به جای گذاشت.)

برو با ترس از خدا، که یگانه است و بی همتا، مسلمانی را مترسان! و اگر او را خوش نیاید، بر سر وی مران! و بیش از حق خدا از مال او مستان! چون به قبیله رسی، بر سر آب آنان فرود آی و به خانه هاشان در میای! پس آهسته و آرام سوی ایشان رو تا به میان آنان رسی و سلامشان کن و در درود گفتن کوتاهی مکن!

سپس بگو: بندگان خدا، مرا ولی خدا و خلیفه او سوی شما فرستاد تا حقی را که خدا در مالیهاتان نهاد از شما بگیرم، آیا خدا را در مالیهای شما حقی است تا آن را ادا سازید و به ولی او بپردازید؟ اگر کسی گفت: نه! متعرض او مشو، و اگر کسی گفت: آری! با او برو، بی آنکه او را بترسانی یا بیمش دهی، یا بر او سخت گیری یا کار را بر او سخت گردانی! آنچه از زر یا سیم به تو دهد، بگیر، و اگر او را گاو و گوسفند و شترهاست، بی رخصت او میان آن در مشو که بیشتر آن رمه، او راست، و چون به رمه رسیدی چونان کسی به میانشان مرو که بر رمه چیرگی دارد یا خواهد که آنها را بیازارد، و چارپایان را از جای مگریزان و مترسان، و با خداوند آن در گرفتن حق خدا بد رفتاری مکن! پس مال را دو بخش کن و خداوند مال را مخیر گردان و هر بخش را برگزید، بپذیر و بر او خرده مگیر. پس، مانده را دو بخش کن و او را مخیر گردان و هر بخش را که برداشت متعرض او مشو. پس پیوسته چنین کن تا آنچه از مال او باقی می آید، حق خدا را ادا کردن شاید. پس حق خدا را از او بگیر- و اگر گمان زیاد کند- و خواهد آنچه را قسمت شده به هم زند، بپذیر. سپس هر دو بخش را به هم بیامیز و همچون بار نخست قسمت کن نیز، تا حق خدا را از مال او بستانی.

آنچه کلانسال است یا پیر و فرسوده، یا شکسته پا و پشت و یا بیماری اش ناتوان نموده و یا عیبی در او بوده، مگیر! و چون مال مسلمانان را با کسی روانه می داری، بدان بسیار که به دینداری او اطمینان داری تا به ولی مسلمانان رساند و او میان آنان بخش گرداند، و بر آن مگمار جز خیرخواهی مهربان، و درستکاری نگاهبان که نه بر آنان درشتی کند و نه زیانشان رساند، و نه مانده شان سازد و نه خسته شان گرداند.

پس آنچه فراهم گشته شتابان نزد ما روانه دار تا چنانکه خدا فرموده بخش گردانیم- و به مستحقانش برسانیم پس اگر امین تو آن را گیرد و رساندنش را تعهد کند، بدو سفارش کن که میان ماده شتر و بچه شیرخوارش جدایی نیفکند، و ماده را چندان ندوشاند که شیرش اندک ماند و بچه اش را زیان رساند، و در سوار شدن به خستگی اش نیندازد، و میان آن و دیگر اشتران عدالت را برقرار سازد، و باید شتر خسته را آسوده گرداند و آن را که کمتر آسیب دیده، یا از رفتن ناتوان گردیده، آرام راند. و چون بر آبگیرها گذرد به آبشان درآرد و راهشان را از زمینه‌های گیاهناک به جاده ها نگرداند، و در ساعت‌هایی آنها را آسوده گذارد، و به هنگام خوردن آب و چریدن گیاه مهلتشان دهد تا به اذن خدا فربه و تناور، نه خسته و نه از بیماری لاغر، نزد ما رسند و به دستور کتاب خدا و سنت پیامبر او (صلی الله علیه وآله) آن را بخش کنیم، که این کار پاداش تو را بسیار گرداند و به رستگاری ات نزدیکتر رساند، ان شاءالله.

کار بست:

✓ مصداق های گوناگون زکات (زکات در غیر اموال در لسان روایات):

زکات رفاه: امام علی (ع): زَكَاةُ الْيَسَارِ بِرُّ الْجِيرَانِ وَ صَلََةُ الرَّحَامِ؛ زکاتِ رفاه، نیکی با همسایگان و صله رحم است.

زکات عقل: امام علی (ع): زَكَاةُ الْعَقْلِ احْتِمَالُ الْجُهَالِ؛ زکات عقل تحمل نادانان است.

زکات زیبایی: امام علی (ع): زَكَاةُ الْجَمَالِ الْعِفَافُ؛ شکر زیبایی، عفت ورزیدن است.

زکات دانش: امام علی (ع): زَكَاةُ الْعِلْمِ بَذْلُهُ لِمُسْتَحِقِّهِ وَإِجْهَادُ النَّفْسِ فِي الْعَمَلِ بِهِ؛ زکات دانش، آموزش به کسانی که شایسته آن اند و کوشش در عمل به آن است.

زکات قدرت: امام علی (ع): زَكَاةُ الْقُدْرَةِ انْصَافُ؛ زکات قدرت، انصاف است.

✓ زکات در سیره عارفان و اهل تصوف:

مقاله: بررسی آداب و آرای صوفیان در مورد زکات و سؤال، مهدی جباری و فرهاد طهماسبی

زکات در نزد عارفان، شکر نعمت هر عضو را بجای آوردن است.

عین القضاات همدانی در تمهیدات: «از هر چه تو را داد و غیری را نداد، نصیب ده. کور را از دیده بینای خود نصیب ده. گنگ را از زبان گویای خود نصیب ده. که چون او را حاجتی بود که نتواند گفت، تو قیام کن بدان حاجت. بیمار را از صحت خود نصیب ده و بی مال را از مال خود نصیب ده. بی علم را از علم خود نصیب ده. بیچاره را از چاره خود نصیب ده تا قرآن تو را ثنا گوید. پس نعم باطن را نیز رکاتی باید اند خور آن و حقیقت آن را احصا نتوان کرد از بسیاری که هست.»

جامی در نفحات الانس: شخصی از شبلی پرسید که از ۲۰۰ درهم چند درهم زکات بباید داد؟ گفت آن تو گویم یا آن خویش؟ گفت آن تو کدام است و آن من کدام؟ گفت تو را از ۲۰۰ درهم ۵ درهم بباید داد و مرا از ۲۰۰ درهم، ۲۰۵ درهم. گفت این دویست خود دانم. آن ۵ چیست؟ گفت آن ۲۰۰ که داری بدهی و ۵ دیگر وام کنی. گفت: این مذهب کیست؟ گفت: مذهب ابوبکر صدیق. «سپس در ادامه شعری منسوب به علی (ع) می آورد:

فما وجبت علیّ زکاء مال و هل یجب الزکاء علی جواد

✓ زکات در شعر فارسی:

مقاله: جلوه های زکات در شعر فارسی، محتشم مؤمنی

زکات حسن و جمال:

حافظ: نصاب حسن در حد کمال است

سعدی: زکات لعل لبث را بسی طلبکارند

زکاتم ده که مسکین و فقیرم

میان این همه خواهندگان به من چه رسد!

زکات تندرستی:

سعدی: آخر به زکات تندرستی

فریاد دل شکستگان رس

زکات جاه و مقام:

مولوی: بی نیازی از غم من ای فقیر

ده زکات جاه و بنگر در فقیر

ضرورت پرداخت زکات:

حافظ: من اگر کام روا گشتم و خوش دل چه عجب
مستحق بودم و اینها به زکاتم دادند

آثار پرداخت زکات:

صائب: گر باغبان زکات زر گل برون کند
صائب: بیهوده نقد عمر مکن صرف کیمیا
خاقانی: زندگانی چو مال میراث است
پس ز طاعت بده زکاتش از آنک
باد خزان طراوت گلشن فزون کند
پاینده مال فانی خود از زکات کن
که نبینی به فاش جز به زکات
به زکات است مال را برکات

آثار عدم پرداخت زکات:

مولوی: ابر بر ناید پی منع زکات
وز زنا افتد وبا اند جهات